نگاه

جنگ نیابتی در لبنان

بثینه شعبان*
ترجمه: بهمن بهساز

در خاورمیانه جنگی به نیابت در جریان است اما نه آنگونه که رسانه‌های غربی می گویند. جنگ حزب‌الله به نیابت از ایران و سوریه. عده‌ای در تلاش برای القای آن هستند که اسرائیل است که وارد جنگی به نیابت از آمریکا و انگلیس و غرب علیه اعراب و مسلمانان در خاک لبنان شده است. این نیابت بعد از فهم سکوت جهانی نسبت به کشتار تروریستی و کینه‌توزانه اسرائیل طی چند روز گذشته کاملاً روشن شد. از اولین علائم صادر شده از غرب تحرک یکباره کشورهای غربی برای بیرون بردن اتباع خود از لبنان بود. واشینگتن، لندن و پاریس کشتی های جنگی خود را اعزام کردند و کانادا و استرالیا و دیگر کشورها هم برای تعجیل تخلیه اتباع خود کشتی اجاره کردند تا به اسرائیل فرصت ارتکاب هرگونه جنایتی را برای ریشه‌کنی کامل مقاومت داده باشند. اسرائیل همزمان با این اقدام غرب تصمیم گرفت به رسانه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی اجازه تصویربرداری از آثار موشک‌های حزب‌الله را ندهد تا از صبر طولانی‌تر شهرک‌نشینان برای تکمیل ماموریتش در ویران کردن لبنان و ریشه کنی مقاومت برخوردار باشد. در پوشش این جنگ نیابتی جان بولتون با تفسیری دیپلماسی قتل کودکان و زنان و سالمندان بی گناه در لبنان را توجیه و قتل هر شخصی در اسرائیل را محکوم کرد. وی معیار جدید نژادپرستانه خود را اینگونه بیان کرد: «برابری میان قربانیان لبنانی و اسرائیلی صحیح نیست. آثار تاسف‌بار و دردآوری که در پی دفاع از خود به وجود آمده با هدف قرار دادن عمدی افراد بی گناه و کشتار آنها و پرتاب موشک یا آدم‌ربایی یکسان نیستند.» و بالاخره مشخص شد که اقدام اسرائیل دفاع از خود نیست بلکه دفاع از تفکر و تسلط و توسعه اشغالگری در آینده و تضمین تسلیم شدن اخلاقی و سیاسی و فکری اعراب و مسلمانان از این رژیم نژادپرست است. از همین رو وقتی هیاتی از سازمان ملل متحد به اسرائیل آمد و وزیر خارجه اسرائیل هم گفت آمادگی بررسی حضور نیروهای چندملیتی وجود دارد، اولمرت نخست وزیر جواب داد «این تیتر خوبی برای جراید است اما در پشت آن چیزی وجود ندارد.» کوفی عنان هم نمی تواند خارج از گروه کاری کند خصوصاً که فهمیدیم جورج بوش در مورد وظایف او با لحنی صحبت می کند که انگار کارمند کاخ سفید است. گزارش عنان در مورد خشونت در خاورمیانه در ۲۰ جولای تمام جنایاتی که اسرائیل مرتکب می شود را تحت بند «حق دفاع از خود» در ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد توجیه می کند. عنان در منشور سازمان ملل چیزی از قطعنامه‌های شورای امنیت که اشغالگری اسرائیل را محکوم می کند مانند قطعنامه‌های ۱۹۴ و ۲۴۲ و ۳۳۸ و بسیاری دیگر نیافته است. این سناریو را تری رودلارسن تکمیل می کند که بهتر است به جای نماینده دبیرکل سازمان ملل وی را نماینده اسرائیل بنامیم. چنانکه در نشست جمعه شورای امنیت اظهار داشت: «اسرائیل مانند جامعه بین‌الملل و شورای امنیت و کشورهای گروه ۸ تبادل اسرا را نمی‌پذیرد. اسرائیل به این تبادل اهتمامی ندارد و ما هم بر این اساس عمل می کنیم.» در همین نشست سفیر اسرائیل با توجه به اظهارات برخی مقامات لبنانی انگشت اتهام را در خصوص حوادث جاری متوجه سوریه و لبنان کرد. هرچند بوش خواهان تضعیف نشدن دولت سنیوره است ولی به اعتقاد برخی تحلیلگران حمایت آمریکا از دولت لبنان و اسرائیل در یک زمان آسان نیست. برخی از کارشناسان بیان می کنند که این فرصتی تاریخی برای اسرائیل و غرب است تا از مسلمانان و تندروها یک‌بار برای همیشه خلاص شوند. این همان راز اهمال جهانی در موضع گیری نسبت به استفاده اسرائیل از بمب‌های غیرمتعارف بر سر کودکان و زنان لبنان است. همینطور راز اصرار آمریکا بر اینکه جنگ می‌تواند در چارچوب سیاسی روی دهد و راز اظهارات کاندولیزا رایس ۹ روز پس از انجام جنایات جنگی اسرائیل است که گفت: «برای پایان دادن و تغییر وضعیت به منطقه سفر می کند و خواستار ایجاد خاورمیانه جدیدی است که تمام مشکلات براساس راه‌حل سیاسی پایان یابد.» هرچند عده‌ای از جانب آمریکا به عنوان بازیگران اصلی منطقه معرفی شده‌اند تا با رایس و اسرائیل در ویران کردن لبنان و نابودی حزب‌الله توافق کنند اما این امر آنها را در آینده از همین سرنوشت رها نمی کند چون در دید غرب، عرب و مسلمان هستند حتی اگر با آنها در تضعیف و ویران کردن کشوری عربی و مردم آن همکاری کنند. غرب اسرائیل را مکلف به وارد کردن ضربه‌ای سهمگین به تفکر مقاومت و تروریست دانستن آن و زدن ریشه مقاومت در برابر اشغالگری و استبداد و تسلط بیگانه نموده است. طی این درگیری روشن شد که اشغالگری به تسلط خود تنها بر فلسطین و عراق بسنده نمی کند چون تسلط زیرکانه‌تر و خطرناک‌تر آن بر جان افراد است یعنی اشغال اراده و تصمیم. از اینجا معلوم می شود که درگیری در لبنان، درگیری استقلال و نه فقط برای لبنان بلکه برای ملت‌های عرب است که باید در آن وارد شوند. اگر اعراب و مسلمانان امروز به خشم نیایند پس کی به خشم می آیند؟ این سومین کشور عربی است که مباح شمرده شده و ویران گردیده است و برنامه همانطور که رایس گفت «خاورمیانه جدید» است که در آن برای اعراب نه کرامتی است و نه حقی و نه صدایی. محبت آمریکا و فرانسه به لبنان کجاست؟ بوش و دیگران به جز آزاد گذاشتن اسرائیل برای ارتکاب کشتار بیشتر چه کاری کردند؟ این موضع بوش و هم‌پیمانان وی در مورد هر کشور عربی است که حتی اگر عرب بودن و اسلام خود را نفی کنند باز هم متهم هستند. همچنین تنها زمانی در منطقه بازیگر اصلی شمرده می شوند که حامی طرح صهیونیست باشند که سولانا یا لارسن یا رایس آن را بیان می کنند.

*خانم بثینه شعبان وزیر امور مهاجران و خارجیان سوریه
منبع: الشرق الاوسط

زنان در حاشیه خلیج فارس

علی نمکی

سال‌ها پس از تکوین جریانات آزادیخواه و اصلاح طلب و حامی حقوق زنان و پس از رسیدن موج این حرکت به کشورهای عربی امروز این جریانات رشد خود را در میان کشورهای شیخ‌نشین حوزه خلیج فارس آغاز کرده‌اند. در این میان دو نوع حرکت در کشورهای خلیج فارس به چشم می‌خورد یکی حرکت‌هایی که گروه‌های اصلاح طلب مخالف حکام چه در داخل این کشورها و چه در خارج از آنها شروع کرده‌اند و دیگری حرکت جریانات حمایت شده توسط رهبران این کشورها که خود این مطلب به دو شکل و به دو دلیل عمده صورت می‌پذیرد. اولین شکل آن حمایت از جریانات و موسسات حامی حقوق زنان و به اصطلاح اصلاح طلب توسط حاکمان و شکل دوم ایجاد همین موسسات و بنیادها تحت نام یک شاهزاده یا شیخ است که شکل دوم بیشتر مطلوب حکام است چون کنترل بیشتری بر آنها می‌توانند داشته باشند. اما دلایل این حرکت چیست؟ گذشت زمان و رشد ذهنی مردم منطقه از یک سو و مشاهده حرکت‌های آزادیخواه در کشورهای همسایه از سوی دیگر حاکمان این مناطق را به یک نقطه رسانده است که نمی‌توان مقابل آزادیخواهی و اصلاح طلبی مردم ایستاد و بهترین راه همراه شدن با این موج ولی به شکل هدایت‌شونده اداره کردن آن است و این خود از دلایل عمده ایجاد موسسات مزبور توسط شاهزادگان این کشورها است. اما دلیل جالب‌تر همان دلیلی است که سال‌ها پیش و در کشور همسایه شیخ‌نشین‌های خلیج فارس یعنی ایران اتفاق افتاد و آن فشار غرب و بالاخص آمریکا به این ممالک برای رفتن به سمت دموکراسی و حقوق زنان است. گذشته از تفسیر دموکراسی آمریکایی و یا بحث‌هایی ساده‌انگارانه و غیرمنطقی چون خاورمیانه بزرگ که شاید یکی از دلایل عدم استقبال آن توسط رهبران منطقه ندیدن واقعیت‌های حاکم بر این نقطه حساس از جهان، چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ فرهنگی، است. شعار آمریکایی‌ها در منطقه با هر نیت باعث تحرک بیشتر جریانات اصلاح طلب شده است که البته دلیل آن به سال‌ها پیش از شعار دموکرات‌های آمریکایی در زمان کندی و کارتر برمی گردد که خواهان گسترش دموکراسی و مقابله با حکومت‌های مطلقه در جهان سوم بود. اینکه آیا واقعاً می‌توان نقش نیمی از اجتماع را نادیده گرفت و یا حتی حق رانندگی را از آنان سلب کرد جای بسی تامل دارد. به هر حال این جریانات در این منطقه رشد خواهند کرد و هر روز افراد بیشتری خواه رهبران و آن هم چه با میل و چه با فشار و خواه مردم عادی همراه این تفکر خواهند شد. اما مهمترین و جنجال‌برانگیزترین حرکت‌های فوق کشیده شدن پای زنان حاشیه خلیج فارس به مسائل سیاسی است. در کویت آنچنان که مشاهده کردیم سال پیش زنان برای اولین بار حق رای پیدا کردند در ضمن خانم معصومه المبارک هم به عنوان یک وزیر زن وارد کابینه شیخ صباح الاحمد الجابر الصباح نخست‌وزیر وقت و امیر فعلی کویت شد. به تازگی هم و در پی اعتراضات بی‌سابقه در میان اعضای پارلمان کویت و سپس انحلال آن توسط شیخ صباح برای اولین بار در تاریخ کشورهای حاشیه خلیج فارس پنج زن در روز اول ثبت‌نام برای انتخابات پارلمان کویت نام‌نویسی کردند. در امارات هم این نوع جریانات رو به رشد هستند. لازم به ذکر است در امارات عربی متحده دو نوع جریان حاکم است یکی جریان عربی متمایل به خصلت‌های قومی قبیله‌ای که مهمترین قطب آن ابوظبی است و دیگری جریان حاکم در دبی به رهبری شیخ محمد بن راشد آل‌مکتوم نخست‌وزیر امارات و حاکم دبی. شیخ محمد به شدت پیگیر مسائل مربوط به زنان است و برای اولین بار در تاریخ خلیج فارس یکی از زنان حرمسرای خود یعنی خواهر ملک عبدالله دوم پادشاه اردن را که اخیراً با وی ازدواج کرده است در مراسم‌های عمومی همچون ملکه‌های کشورهای غربی و شرقی آشکارا همراه خود برده و در ضمن خود شاهزاده‌خانم هم در مراسم‌های خاصی به تنهایی شرکت می کند. در امارات سال پیش برای اولین بار خانم قاسمی به عنوان اولین وزیر اقتصاد زن انتخاب شد. البته این خانم از شاهزادگان اماراتی است. در راستای همین مسائل و تکرار اولین‌ها در مورد زنان در تاریخ کشورهای خلیج فارس در بحرین آخرین اخبار حاکی از تعیین یک خانم توسط ملک حمد بن عیسی آل‌خلیفه پادشاه بحرین به عنوان قاضی است که در طول تاریخ کشورهای حاشیه خلیج فارس بی‌سابقه است. اما ببینیم که در سرزمین برادر بزرگ و مهم شیوخ یعنی عربستان در این رابطه چه می گذرد؟ هر نوع حرکت اصلاح طلبانه‌ای در عربستان به لحاظ شرایط خاص و بافت فرهنگی آن کندتر از همسایگانش و با نظارت دقیق‌تر خاندان حاکم آل‌سعود صورت می‌پذیرد. علت این مطلب شاید بیشتر از هر چیز بافت فرهنگی و قبیله‌ای و مذهبی جامعه عربستان باشد. خانم کارمن بن لادن ایرانی‌الاصل و همسر سابق یسلام بن لادن برادر اسامه بن لادن در کتابی که اخیراً منتشر کرده است در مورد جامعه عربستان و وضعیت جامعه زنان آن جامعه در سال‌های گذشته و روند رو به رشد آزادی‌های مدنی آن سرزمین نکات جالبی را نوشته است که توجه شما را به برخی از جملات آن کتاب جلب می کنم: «شیخ محمد پدر اسامه پنجاه فرزند داشت. گاهی با گفتن این کلمه که شیخ محمد با پادشاه سعودی از نظر تعداد اولاد رقابت می کرده سر به سر یسلام می گذاشتم. ملک عبدالعزیز هم بیش از یکصد فرزند داشت. در عربستان سعودی هیچ زنی نمی‌تواند بدون اجازه کتبی شوهرش یا پدرش یا پسرش به خارج و حتی در داخل آن کشور از شهری به شهر دیگر مسافرت نماید. در آنجا یک شبکه زیرزمینی زنانه وجود دارد که پاسپورت و اجازه‌نامه جعلی درست می کند و در اختیار زنان متقاضی قرار می‌دهد و از آنجایی که هیچ مامور گمرکی جرات ندارد تا به زنی بگوید که صورتش را نشان بدهد تا با پاسپورت تطبیق دهد در نتیجه می‌توان به راحتی هر هویتی را به خود گرفت و مسافرت کرد. خیلی از مردان عربستان دختران خود را به مدرسه نمی‌فرستند و اکثر آنها به اهمیت سواد داشتن واقف نیستند حتی به مدرسه فرستادن پسران هم اخیراً رایج شده است تا قبل از جنگ جهانی دوم در آنجا فقط مکتب‌خانه‌های سنتی دایر بود که در آنها مقداری دروس عربی کمی تاریخ اسلام و قرائت قرآن را آموزش می‌دادند تا اینکه در اوایل دهه ۱۹۶۰ ملکه عفت همسر ملک فیصل با وجود مخالفت شدید رهبران دینی اولین مدرسه دخترانه با نام دارالحسن را در عربستان دایر کرد.» اما پس از گذشت این سال‌ها و در زمان زمامداری ملک عبدالله بن عبدالعزیز و عقاید مترقی او نسبت به اسلاف خویش عربستان به سمت پیشرفت اصلاح طلبانه گام‌های استوارتری برمی‌دارد که از جمله کارهای فرهنگی ایشان دستور به فرستادن بیش از ۵ هزار جوان سعودی برای تحصیل علم به خارج از عربستان و دستور ساخت دانشگاه‌های بسیار در عربستان است. در میان انواع جریانات گفته شده از جریانات اصلاح طلب در عربستان و در میان جریانات نوع اول یعنی جریانات مخالف حکومت سعودی مهم‌ترین‌شان جریان سعدالفقیه است که در لندن اقامت دارد. این جریان به دلیل نداشتن پایگاه مردمی خیلی با اقبال روبه‌رو نیست و اخیراً هم و در عفو پادشاهانه که توسط ملک عبدالله صادر شد معاون سعدالفقیه و شخص دوم جریان او از لندن خارج و به کشورش عربستان بازگشت. اما در میان نوع دوم جریانات اصلاح طلب بیشتر آنهایی که توسط خاندان آل‌سعود هدایت می شوند رشد دارند. جریاناتی که در راس آنها یک شاهزاده سعودی قرار دارد. این شاهزادگان به دلایل ذکر شده در سطور قبل خود رهبری بنیادهای اصلاح طلب را به عهده می گیرند. فوت ملک فهد و روی کار آمدن ملک عبدالله که به اصلاح طلبی در میان سعودی‌ها مشهور است باعث شده تا جریاناتی همچون جریان هدایت شده توسط برادر ایشان امیر طلال (شاهزاده معروف سعودی که در سال ۱۹۶۲ به دلیل عقاید اصلاح طلبانه‌اش از عربستان به مصر تبعید شده ولی در سال ۱۹۶۴ او را مورد عفو قرار دادند و به کشورش بازگشت) و پسرش شاهزاده میلیاردر الولید که اولین شاهزاده‌ای است که خلبان زن در هواپیمای شخصی‌اش استخدام کرده است و در ضمن رسم چندهمسری را در میان شاهزادگان شکسته است و فقط یک بار و مثل پدرش آن هم با شخصی خارج از حیطه شاهزادگان سعودی ازدواج کرده است (شاهزاده طلال با دختر نخست‌وزیر لبنان ازدواج کرده است- البته جالب است که بدانید خود ملک عبدالله حداقل بیش از ۳۰ بار ازدواج کرده است) مجال بیشتری را پیدا کنند. در این میان حرکت‌های انجام شده توسط شاهزاده خانم‌ها جالب توجه است. در عربستان شاهزاده عادلا بنت عبدالله دختر پادشاه عربستان نقش بارزتری در بسط شعارهای آزادیخواهانه برای زنان جامعه سعودی و هدایت کردن جامعه زنان به عهده گرفته است. چندی پیش اولین اجلاس خلیج و کسب و کار در ریاض با حضور شاهزاده عادلا بنت عبدالله صورت گرفت. در اوایل به حکومت رسیدن ملک عبدالله در مصاحبه‌ای که با شاهزاده عادلا صورت پذیرفته بود، او اعلام کرده بود از پادشاه خواهد خواست از زنان هم برای عضویت در مجلس مشورتی استفاده شود. به تازگی حضور زنان در تلویزیون‌های عربستان چه به عنوان مجری برنامه‌های تلویزیونی در شبکه‌هایی چون SaudiTv1 و saudiTv2 و چه در پیام‌های بازرگانی چشمگیرتر شده است. اخیراً هم اولین رئیس جمهور زن یعنی خانم آرویو رئیس جمهور فیلیپین به ریاض سفر کرده بود که خود ملک عبدالله شخصاً به استقبال او در فرودگاه رفته است ولی به دلیل شرایط حاکم بر این کشور سوار اتومبیل مشترک با خانم آرویو نشده و او را در بردن به قصر عامری همراهی نکرده است. در آخر توجه شما را به بخش‌هایی از مصاحبه‌ای که ملک عبدالله با خانم باربارا والترز از شبکه ABC آمریکا انجام داده است، جلب می کنم: «خانم والترز: یک نکته جالب برای غربی‌ها این است که عربستان سعودی تنها کشوری است که در جهان اجازه نداده است زنان رانندگی کنند. به نظر می‌رسد این نشانه‌ای از فقدان آزادی زنان است آیا شما اجازه خواهید داد که زنان رانندگی کنند؟ ملک عبدالله: من اعتقاد قوی و راسخی به حقوق زنان دارم. مادر من یک زن است، خواهرم یک زن است، دخترم یک زن است و همسرم هم یک زن است. من اعتقاد دارم که یک روز خواهد رسید که زنان رانندگی کنند. در حقیقت اگر شما نگاه به مناطق عربستان کنید درخواهید یافت که زنان اگر صبر داشته باشند خواهند توانست رانندگی کنند. این مطلب ممکن خواهد بود. خانم والترز: اما موانع و محدودیت‌هایی علیه زنان وجود دارد آیا شما این تغییرات را باز هم می‌بینید؟ ملک عبدالله: بله من اعتقاد دارم که ما می‌توانیم، اما این نیاز به کمی زمان دارد. مردم ما تازه به جهان مدرن وارد شده‌اند و من اعتقاد دارم که با گذشت زمان در آینده هر چیزی ممکن است.»

پنجمین نامزدی نخست‌وزیر استرالیا برای انتخابات

جان هاوارد نخست‌وزیر استرالیا دیروز طی نامه‌ای به نمایندگان پارلمان این کشور اعلام کرد که با وجود فشارها برای کناره‌گیری، قصد دارد برای پنجمین دوره نامزد انتخابات عمومی سال آینده میلادی می‌شود. هاوارد که هفته گذشته وارد ۶۷ سالگی شد دومین نخست‌وزیر استرالیا است که برای ۱۰ سال پیاپی در این سمت باقی مانده است. وی گفت که همکارانش در حزب لیبرال از او خواسته‌اند تا رهبری ائتلاف حاکم خود را در انتخابات آینده نیز بر عهده گیرد. این انتخابات قرار است، اواخر سال ۲۰۰۷ برگزار شود. هاوارد طی نامه‌ای به همکاران خود در مجلس گفت: «من همچنان مشتاق و علاقه‌مند هستم که این ائتلاف به پنجمین پیروزی خود نیز نائل شود.» تا پیش از این هاوارد قاطعانه مخالف حضور در انتخابات آینده استرالیا بود، به طوری که این امر، باعث شده بود که گمانه زنی هایی مبنی بر نخست‌وزیری «پیتر کاستلو» معاون وی و خزانه‌دار استرالیا مطرح شود. کاستلو ۴۷ ساله امیدوار بود که هاوارد قبل از برگزاری انتخابات، رهبری را به وی واگذار کند. کاستلو اوایل این ماه گفت که هاوارد قرارداد سال ۱۹۹۴ را مبنی بر واگذاری رهبری

پس از ۱/۵ دوره حضور در نخست‌وزیری نقض کرده است. این درحالی است که هاوارد دیروز گفت: احساسم به من می گوید که حزب لیبرال به شدت معتقد است که تیم رهبری کنونی متشکل از خود من به عنوان رهبر و پیتر کاستلو به عنوان معاون باید در انتخابات آینده نیز حفظ شود. او در عین حال تاکید کرد که انتخابات آتی بسیار دشوار خواهد بود. زیرا اقتصاد نشانه‌هایی از فشارهای تورم را بروز می‌دهد. این موضع گیری باعث شد که کاستلو نیز در نهایت به منظور جلوگیری از بروز تنش‌های احتمالی در دولت به بلندپروازی‌های خود خاتمه دهد. وی برای به چالش کشیدن هاوارد از حمایت چندانی نیز برخوردار نیست. وی گفت می‌داند که حزب لیبرال و رای‌دهندگان خواستار تغییر رهبری نیستند و برای یک مدت طولانی در مجلس خواهد ماند. وی افزود: «تصمیم گرفته‌ام که برای انتخاب شدن مجدد به عنوان معاون نخست‌وزیر و خزانه‌دار کشور به تلاش خود ادامه دهم. من برای انتخاب مجدد هاوارد به عنوان نخست‌وزیر تلاش خواهم کرد.» با این حال تحلیلگران سیاسی معتقدند که اختلافات این دو سیاستمدار، مشارکت سیاسی آنها را در انتخابات آینده با مشکل مواجه خواهد کرد و زمینه را برای قدرت گرفتن حزب چپ‌گرای کارگر و احتمالاً پیروزی آن بر ائتلاف لیبرال ملی فراهم خواهد کرد. با این حال کیم بیزلی رهبر حزب کارگر استرالیا روز گذشته از تصمیم نخست‌وزیر این کشور برای نامزدی مجدد در انتخابات استقبال کرد و گفت: «این همان مبارزه‌ای است که خواهان آن هستم، مبارزه‌ای که من در آن پیروز خواهم شد.» نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد که حزب کارگر از موقعیت بهتری نسبت به قبل در میان رای‌دهندگان استرالیایی برخوردار شده است. با این حال محبوبیت شخصی بیزلی بسیار پایین‌تر از جان هاوارد است. محبوبیت هاوارد در میان رای‌دهندگان چنان است که باعث شده است حزب لیبرال برای نامزدی در انتخابات آینده و رقابت با حزب کارگر که اخیراً بار دیگر احیا شده است، روی هاوارد حساب ویژه‌ای باز کند. براساس نتایج نظرسنجی‌های اخیر ۸۲ درصد از مردم استرالیا معتقدند که تصمیم هاوارد برای ماندن در سمت نخست‌وزیری درست بوده و تنها ۱۸ درصد کار وی را نادرست دانسته‌اند. هاوارد که متحد نزدیک جورج بوش رئیس جمهور آمریکا است، با اعزام نیرو به افغانستان و عراق و با برعهده گرفتن نقش میانجی در درگیری‌های تی‌مور شرقی و جنوب اقیانوس آرام وجهه بین‌المللی استرالیا را ارتقا داده است و در داخل نیز وی سکاندار دوران شکوفایی اقتصادی استرالیا محسوب می‌شود.

با پیشروی ارتش به منطقه تحت کنترل تامیل‌ها صورت گرفت

آغاز دوباره جنگ در سریلانکا

گروه بین‌الملل: با پیشروی نیروهای ارتش سریلانکا به مناطق تحت کنترل شورشیان تامیل، سه تن از این شورشیان و هفت سرباز ارتش سریلانکا کشته شدند و به این ترتیب، آتش‌بسی که از سال ۲۰۰۲ میلادی در این کشور برقرار شده بود نقض شد. به دنبال این اقدام ارتش سریلانکا، یکی از مقامات ارشد شورشیان تامیل گفت این کشور بار دیگر به دوران جنگ داخلی بازگشته است و آتش‌بس چهارساله دیگر معتبر نیست. «اس الیلان» رئیس شاخه سیاسی شورشیان تامیل در «ترینکو مالی» در شرق سریلانکا با اعلام این خبر گفت: نیروهای ارتش سریلانکا پیشروی خود به سمت بخش‌های تحت کنترل تامیل‌ها در شرق این کشور را آغاز کرده و آتش توپخانه و خمپاره‌های خود را به سمت مناطق شمالی سریلانکا نیز گشوده‌اند. این فرمانده ارشد شورشیان تامیل در عین حال اضافه کرد: «جنگ دوباره آغاز شده و ما هم آماده جنگ هستیم.» از سوی دیگر، شورشیان تامیل اعلام کرده‌اند مسئولیت آغاز جنگ در سریلانکا به عهده دولت این کشور است و پیشتر نیز مقرر شده بود که اگر ارتش سریلانکا وارد محدوده تامیل‌ها شود، شورشیان مقابله به مثل خواهند کرد. «الیلان» که سخنگوی رسمی شورشیان تامیل نیست اما یکی از مقامات ارشد شاخه سیاسی تامیل در «ترینکو مالی» به شمار می‌رود، قبلاً نیز چندین بار نسبت به احتمال بازگشت سریلانکا به دوران جنگ هشدار داده بود. در همین حال، شورشیان تامیل گزارش‌هایی را که مبنی بر کشته شدن برخی از نیروهایشان منتشر شده بود رد کرده و تنها به تایید کشته شدن سه شورشی تامیل در حملات راکتی اکتفا کردند. ارتش سریلانکا نیز تایید کرده است که هفت سرباز ارتش در جریان این درگیری‌ها کشته شده و تعداد زیادی از آنها نیز در درگیری‌های خشونت‌آمیز در شرق سریلانکا مجروح شده‌اند. سخنگوی ارتش سریلانکا در همین راستا به ادامه حملات اشاره و تایید کرده که ارتش این کشور به حملات هوایی و آتش کردن توپخانه و شلیک خمپاره پرداخته‌اند. از سوی دیگر، شورشیان در حال حاضر به شدت از اقدامات «ماهیندا راجاپاکسی» رئیس جمهور سریلانکا ناراضی هستند زیرا دولت این کشور در مقابل تقاضای شورشیان تامیل برای جدایی از دولت مرکزی به شدت مقاومت می‌کند. گروه ببرهای تامیل در عین حال به صورت نامحدود از روند مذاکرات صلح کناره‌گیری کرده و بن‌بست در این مذاکرات مدتی است که شکسته نشده است. پیشروی‌های ارتش سریلانکا در اراضی تحت کنترل تامیل‌ها در حالی انجام گرفته که دولت سریلانکا، تامیل‌ها را به تلاش برای مسدود کردن راه انتقال آب از منطقه تحت کنترل تامیل‌ها به مناطق دیگر متهم است. دولت سریلانکا در عین حال به وجود میدان‌های مین در مناطق تحت کنترل تامیل‌ها اشاره کرده و این اقدام شورشیان تامیل را ناقض آتش‌بس سال ۲۰۰۲ میلادی دانسته است. عامل بروز تنش‌های جدید میان شورشیان تامیل و ارتش سریلانکا را می‌توان به تلاش دولت برای تحت کنترل گرفتن کانال‌های انتقال آب و تامین آب مورد نیاز ۱۵ هزار نفر از مردم در مناطق دیگر نسبت داد. رهبران گروه شورشیان تامیل که بیش از دو دهه است برای جدایی طلبی و کسب استقلال از دولت سریلانکا می‌جنگند، کلمبو را به نقض آتش‌بس متهم کرده‌اند. از سوی دیگر، دولت سریلانکا پیشروی در مناطق تحت کنترل شورشیان تامیل را یک ماموریت انسان‌دوستانه برای تامین آب مورد نیاز مردم توصیف کرده و آن را «اعلان جنگ» ندانسته است. نمایندگان گروه‌های ناظر بین‌المللی در سریلانکا هنوز اعلام نکرده‌اند که اقدام دولت سریلانکا را نقض آتش‌بس می‌دانند یا خیر. سخنگوی این گروه‌ها تنها به هشدار دادن نسبت به وقوع فاجعه انسانی در صورت ادامه این تنش‌ها اکتفا کرده است. البته گروه شورشیان تامیل خواهان خارج شدن تمام اتباع کشورهای اتحادیه اروپا از گروه‌های ناظر بین‌المللی شده‌اند و همین موضوع تنش‌های بیشتری را در سریلانکا باعث شده است زیرا با قرار گرفتن نام گروه شورشیان تامیل در لیست گروه‌های تروریستی اتحادیه اروپا، دغدغه‌های امنیتی اتباع این کشورها در سریلانکا نیز بیشتر شده است و حتی فنلاند و دانمارک اتباع خود را از این گروه‌ها خارج کرده‌اند.

خبرها

ناتو در افغانستان مستقر شد

ایرنا: دفتر مطبوعاتی نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت افغانستان (ایساف) دیروز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: نیروهای ناتو به طور رسمی فرماندهی نیروهای بین‌المللی در جنوب افغانستان به خصوص ولایت‌های ناآرام قندهار، ارزگان، هلمند و زابل را به عهده گرفت. براساس این بیانیه با مستقر شدن نیروهای ناتو در ولایت‌های جنوبی افغانستان، عملیات «یورش کوهستان» که از ۵۱ روز قبل در این منطقه آغاز شده بود و تاکنون منجر به کشته شدن ۶۱۳ شورشی و دستگیری ۳۰۰ نفر از آنان شده است، نیز پایان یافت. این بیانیه می‌افزاید: نیروهای ناتو اکنون علاوه بر ۱۳ ولایتی که قبلاً در آنها حضور نظامی داشتند، به تامین امنیت در شش ولایت دای‌کندی، هلمند، قندهار، نیمروز، ارزگان و زابل نیز خواهند پرداخت. ژنرال «دیوید ریچارد» فرمانده نیروهای ناتو نیز روز شنبه در یک نشست خبری در کابل اعلام کرد که هشت‌هزار نیرو از کشورهای استرالیا، کانادا، انگلیس، استونی، دانمارک، هلند، رومانی و آمریکا در قالب نیروهای ناتو در ولایت‌های جنوبی افغانستان فعالیت خواهند کرد. با احتساب این نیروها، شمار نظامیان ایساف در افغانستان افزون بر کابل در ۱۳ ولایت دیگر به ۱۸ هزار و ۵۰۰ سرباز خواهد رسید که از ۳۷ کشور مختلف جهان هستند.

آغاز شمارش آرا در کنگو

بی‌بی‌سی: از بامداد روز گذشته شمارش آرای به صندوق ریخته شده در انتخابات جمهوری دموکراتیک کنگو آغاز شده و انتظار می‌رود نتیجه شمارش آرا تا چند هفته دیگر معلوم شود. در این انتخابات حدود ۲۵ میلیون رای‌دهنده با حضور نیروی پاسدار صلح سازمان ملل و نظارت بیش از یک‌هزار ناظر بین‌المللی آرای خود را به صندوق انداختند. ناظران خارجی در مجموع نحوه برگزاری این انتخابات را رضایت‌بخش توصیف کرده‌اند هر چند از بروز مواردی از خشونت از جمله پرتاب بمب آتش‌زا به یکی از مراکز رای‌گیری گزارش‌هایی مخابره شده است. نماینده سازمان ملل در کنگو گفته است که رای‌دهندگان نه تنها در «کینشازا» پایتخت، بلکه در سایر نقاط این کشور به طور گسترده در رای‌گیری مشارکت کردند. در میان ۳۲ نامزد انتخاباتی، جوزف کابیلا که از سال ۲۰۰۱ این سمت را در اختیار داشته، چهار معاون رئیس جمهوری حضور دارند که براساس توافق سال ۲۰۰۳ برای تقسیم قدرت بین جناح‌های متخاصم در جنگ داخلی به این سمت‌ها منصوب شدند.

رئیس جمهوری که فیلم نمی‌بیند

ایلنا: رئیس جمهوری هند گفت که وی ۵۰ سال است فیلم نگاه نکرده است، زیرا بیشتر وقت خود را صرف خواندن متون علمی می کند. خبرگزاری فرانسه گزارش داد که روزنامه «هندو» نوشت: «بی جی عبدالکلام» رئیس جمهوری هند در جریان دیدار خود از منطقه کشمیر به رادیو کشمیر گفت: «شما ممکن است باور نکنید که من ۵۰ سال است فیلم ندیده‌ام، اما این حقیقت دارد.» «عبدالکلام» ۷۴ ساله و مسلمان، پدر برنامه موشک‌های هسته‌ای هند است و در سال ۲۰۰۲ به ریاست‌جمهوری رسید. وی که فرزند یک قایقران بی‌سواد است، یکی از حامیان اصلی فناوری‌های داخلی است و اعتقاد دارد فناوری‌های داخلی درمان دردهای هند است. وی همچنین در هند به «مرد موشکی» شهرت دارد.

مخالفت آمریکایی‌ها با حمله به کره شمالی

ایلنا: ۷۲ درصد از آمریکایی‌ها با حمله به کره شمالی به دلیل برنامه هسته‌ای پیونگ یانگ مخالفند. رویترز گزارش داد: «طبق نظرسنجی موسسه «گالوپ» که در روزنامه آمریکایی «یو اس ای تودی» منتشر شده است، ۷۲ درصد از آمریکایی‌ها معتقدند که سران این کشور نباید برای توقف برنامه‌های هسته‌ای کره شمالی به این کشور حمله نظامی کنند.» شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی بر این باورند که بهترین راه برای توقف پیونگ یانگ افزایش فشارهای خارجی بر کره شمالی و اعمال تحریم‌های اقتصادی بر این کشور آسیایی است. این درحالی است که ۹ درصد از افراد شرکت‌کننده در این نظرسنجی اعلام کردند که حمله نظامی و موشکی به کره شمالی بهترین راه‌حل برای پایان دادن به اقدامات کنونی کره شمالی است و سه درصد نیز معتقدند که آمریکا و دیگر کشورهای جهان باید با ارسال نیروها به‌صورت زمینی به کره شمالی حمله کنند. همچنین ۲۰ درصد از آمریکایی‌ها معتقدند که کره شمالی تهدیدی برای آمریکا محسوب می‌شود و ۵۹ درصد نیز تاکید کردند که کره شمالی تهدیدی برای امنیت جهان محسوب می‌شود ولی این تهدید فوری نیست. ۱۵ درصد از آمریکایی‌ها نیز گفته‌اند که کره شمالی برای ایالات متحده آمریکا تهدیدی محسوب نمی‌شود و ۱۰ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی بر این باورند که آمریکا نباید اقدامی انجام دهد.